

# صور خیال

## در شعر رحماندوست

علی ارمغان

که امتیازات اولیه شعر است، در آن دیده می‌شود. با این تفاوت عمده که همه چیز را از زاویه دید کودک یا نوجوان می‌نگرد و از نظر سوز و زبان و موضوع، ویژگی‌های سنی مخاطب‌هایش در آن رعایت شده است.» بنابراین شعر ناب کودک و نوجوان، شعری کامل است که در آن توانایی‌ها و قابلیت‌های وجودی مخاطب در نظر گرفته شده باشد؛ هر چند داشتن توانایی برای دریافت شعر، با توجه به شرایط زمانی و مکانی می‌تواند نسبی باشد، سرانجام این مخاطب است که اثر ویژه گروه سنی خود را خواهد یافت.

رحماندوست می‌کوشد در شعرش تخیل کودک را به رسمیت بشناسد و به آن اجازه پرواز بدهد. بنابراین در استفاده از صور خیال، دقت فراوانی می‌کند و هر جا که برایش بهره بردن از خیال‌های شعری ممکن نباشد، به سراغ عاطفه می‌رود و برای کودکانه کردن سخنش از آن کمک می‌گیرد؛ به گونه‌ای که گاهی، زمان لازم است تا صورتی خیالی در شعر این شاعر پیدا کنیم، حال آن که عاطفه شاعرانه در آن شعر، ما را اندوهگین می‌کند، به فکر وا می‌دارد و یا هم چون کودکی شادمان می‌سازد.

رحماندوست معتقد است به کار گرفتن صور خیال در شعر کودک کار دشواری است؛ چرا که

علی ارمغان، از رساله کارشناسی ارشد خود، با عنوان «بررسی صور خیال در شعر کودک و نوجوان»، در دانشگاه شیراز با درجه عالی دفاع کرده است. دکتر کاووس حسن لی، دکتر مرتضی خسرونژاد و دکتر اکبر صیاد کوه، اعضای کمیته پایان‌نامه او بوده‌اند.

او در این کتاب، به بررسی صور خیال در سه دوره شعری اول: جبار باغچه‌بان و عباس یمینی شریف، دوم: پروین دولت‌آبادی و محمود کیانوش و سوم: شاعران بعد از انقلاب پرداخته است.

مقاله حاضر، کوتاه شده بررسی‌های او درباره شعر مصطفی رحماندوست است که در بخش نقد آثار رحماندوست، در این شماره تقدیم می‌شود.

مصطفی رحماندوست، پس از پروین دولت‌آبادی و کیانوش، نخستین سراینده صاحب نام شعر کودک و نوجوان این سرزمین است. از اشعار رحماندوست برمی‌آید که این شاعر، شعر کودک را به قصد رسیدن به شعری به نام شعر ناب کودک آغاز کرده است. خود شاعر چنین تعبیری از این گونه شعر دارد که «شعر ناب کودکان شعری است که تمام ویژگی‌های یک شعر کامل را دارد و در اصول با شعر بزرگسالان تفاوتی ندارد. زبان، قالب، وزن، احساس، عاطفه، تخیل و...

انگاری دارند، می‌تواند در توفیق او در شخصیت بخشی به اشیا مفید واقع شود.

در مجموعه‌های شعری که از رحماندوست بررسی شد، افعال و صفات و عواطف انسانی و گاهی جاندارانی غیر از انسان، به عناصر بی‌جان و در موارد معدودی نیز به مفاهیمی ذهنی و انتزاعی نسبت داده شده است. برخی از عناصر بی‌جان که در شعر رحماندوست، جاندار پنداشته شده‌اند، عبارتند از: فانوس، شعله، باد، آسمان، برگ، رود، خورشید، ماه، چشمه، تاریکی، ابر، موج، خاک، گل، غنچه، ساحل، سبزه، روستا، عروسک، کتاب، چادر و مواردی از این قبیل. در موارد معدودی نیز این شاعر، مفاهیم انتزاعی را جاندار فرض کرده که «کینه» و «وقت» از آن جمله است. در موردی نیز به عنصری وهمی، هم چون «شیطان» جان بخشیده شده است. از جانداران غیر از انسان، شاعر به جانورانی هم چون گربه، کبوتر، گوساله، گاو و پروانه و و ماهی قرمز شخصیت بخشیده است.

در شعر رحماندوست، تشخیص به دو صورت گسترده و فشرده به کار رفته که میزان تصاویر گسترده و مفصل او به مراتب از تصاویر فشرده بیشتر است. تشخیص‌های گسترده در شعر این شاعر، به صورت‌های زیر به کار می‌روند:

الف - گاهی شاعر افعال، صفات، اعضا و یا عواطف انسانی را به عناصر بی‌جان و یا جانداران غیر از انسان نسبت می‌دهد:

از کتاب کوچه‌های آبی:

باد می‌رقصاند / شعله‌ها می‌رقصند (شعله‌ها می‌رقصند)

در این بیت، شعله‌ها که تصویر استعاری «برگ‌های زرد و قرمز» است، به صورتی رقصان تصویر شده‌اند. برای شعله‌ها و یا برگ‌هایی که در برابر جریان رقص آور باد قرار گرفته‌اند، نسبت دادن

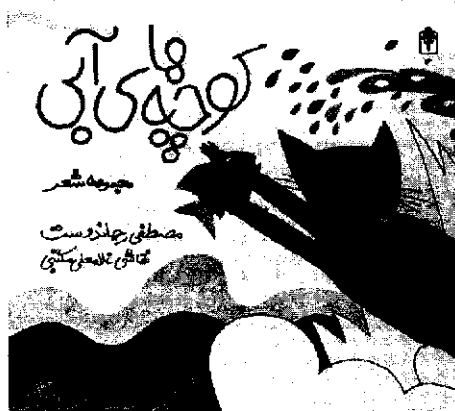
چیزهایی که می‌تواند برای کودک عامل خیال باشد، اندک است و کودکان به دلیل داشتن سن کم، تجربه محدودی هم دارند و بنابراین، ما به سختی می‌توانیم خیال‌پردازی‌های بدیع، اما محدود در تجربه آنان داشته باشیم. مخاطب شاعران کودک، از آغاز قابلیت و توانایی خود را اعلام کرده و گفته که من فقط با این فرکانس می‌توانم دریافت کنم و قدرت دریافت من به سبب میزان تجربه‌ام، محدود است.

برای بررسی و توصیف خیال‌های شعری در سروده‌های مصطفی رحماندوست، چهار عنوان از مجموعه‌های شعر کودکانه و نوجوانانه این شاعر را انتخاب کرده‌ایم: کوچه‌های آبی (برای گروه سنی «ج»)، بابا آمد، نان آورد (برای گروه سنی «ب»)، زیباتر از بهار (برای کودکان ۶ تا ۹ ساله) و بهار این جاست (برای گروه سنی «الف»).

از میان صور خیال، آن چه در مجموعه شعرهای مصطفی رحماندوست بیش‌تر به چشم می‌آید «تشخیص»، «تشبیه»، «استعاره» و تا حدی «حسن آمیزی» است. موارد معدودی از کنایه و مجاز و وابسته‌های عددی نیز در شعر این شاعر می‌توان یافت. در ادامه به مواردی از صور خیال، در شعر رحماندوست، اشاره می‌کنیم.

## تشخیص

در دوره‌ای که رحماندوست فعالیت می‌کند، در شعر کودک و نوجوان، در مقایسه با گرایش به صورت‌های دیگر خیال، رواج بیش‌تری دارد. همه شاعران این دوره به تشخیص توجه فراوان نشان داده‌اند، اما آن چه در این مورد آن‌ها را از همدیگر متمایز می‌کند، توانایی‌شان در کاربرد تشخیص با نگاه کودکانه است. این که شاعر، دربابد چه عنصری از طبیعی و غیر طبیعی، توجه کودک مخاطب شعر او را به خود جلب می‌کنند و آن عناصر چه قابلیت‌هایی برای جاندار



عمل رقص که ویژه انسان است، تصویر زیبایی آفریده. در شعری به نام «پایان راه»، شاعر در باغ با شکوهی حضور دارد و مشغول تماشای باغ است و در این حال می‌گوید:

**پروانه‌ای به من گفت / این باغ «باغ دنیا» است**  
این که شاعر در این بیت، از زبان پروانه سخنی آورده، به کودکانه بودن تصویر تشخیصی کمک فراوان می‌کند؛ چرا که نگاه ریزبین کودک، با قامت کودکانه‌اش با موجودی چون پروانه آشنایی بیش‌تری دارد تا مثلاً پرنده‌ای که در بالای درختان باغ می‌نشیند یا آشیان می‌سازد. در بیت زیر که آغاز شعری است با نام «ما در ماه»، تصویری از رفتن خورشید و تاریک شدن هوا ارائه می‌شود:

**خورشید دیگر خسته شد، رفت / تاریکی از زندان رها شد**

در این بیت، خورشید به صورت شخصی فرض شده که بعد از یک روز کار و تلاش، خستگی بر او چیره می‌شود و کار خود را رها می‌کند و می‌رود. در حین رفتن، تاریکی حاکم بر دنیا را می‌بیند و اندوهگین می‌شود، ولیکن خودش خسته است. بنابراین، فریاد می‌زند و یک دانه دخترش، ماه را فرا می‌خواند و از او می‌خواهد که بر دنیا نورافشانی کند و جهانیان را راه بنماید.

شاعر در بیت زیر، فعل «گریخته» را برای گل در فصل پاییز آورده است و آوردن این فعل برای گل که با چمن به همدیگر تعلق خاطر دارند، شایسته به نظر نمی‌رسد؛ کودکان خصوصاً که این فعل دور از ذهن به نظر می‌رسد:

**گرچه از چمن / گل گریخته  
برگ‌های سبز / گرچه ریخته**

در این دو بیت، شاعر تصویری از ریختن گل‌ها و برگ‌ها از روی شاخه ارائه داده و گویا آوردن فعل «گریخته» در مقام قافیه‌سازی، در تقابل با فعل «ریخته» آمده است.

در شعری به نام «دوباره وقت زد پر»، فعل پر زدن را برای مفهومی انتزاعی یعنی «وقت» به کار برده است و پر زدن به معنای از دست رفتن آمده و تصویر مناسبی ساخته است. شعر، حکایت دخترکی بی انضباط است که هر یک از وسایل شخصی او در گوشه‌های افتاده است و از برادرش می‌پرسد که:

**مداد و کیف و جوراب کلید و چادرم کو؟**

شاعر بعد از سؤالاتی که از زبان دختر برای یافتن جای وسایلش آورده، دو بیت به صورت توضیحی از زبان خودش آورده است؛ این گونه:

**بگرد این طرف را بگرد آن طرف تر**

**شلختگی همین است دوباره وقت زد پر**

در همین شعر، بعد از این دو بیت، از زبان برادر دختر می‌خوانیم:

**کتاب و چادر آن جاست / کجاست؟ گوشه در /**

**نشسته روی کیفیت / دوباره باز خواهد**

و فعل «نشستن» را به زیبایی برای کتاب و چادر گم شده که روی کیف قرار گرفته و خیلی هم دخترک به دنبال آن‌ها گشته، آورده است.

از کتاب فصل بهار بنویس:

در اولین شعر از این کتاب که «فرشته شب‌ها»

نام دارد، شاعر برای مفهوم ذهنی «خواب» افعالی

انسانی آورده است؛ افعالی که حکایت از شیطنت و بازی‌های خواب با فرد خواب آلود دارند:

**شب شد دوباره آمده به به! چه نازی می‌کند**

**می‌آید و در می‌رود انگار بازی می‌کند**

در این دو بیت، شاعر تصویر کودکانه و زیبایی از خواب ارائه داده و به عنوان شخصی شیطان و بازی‌گوش از آن یاد کرده است. او لذتی را که خواب به انسان می‌دهد، با فعل «ناز کردن» و حالت به خواب رفتن و از خواب پریدن فرد خواب آلود را به «رفتن و آمدن و بازی کردن» این مفهوم تعبیر کرده است:

در شعر دیگری به نام «لالایی»، از خواب با عنوان یک مهمان که به خانه چشمان انسان می‌آید، یاد شده است.

**خواب آمده مهمانی / در خانه چشمانت**

**مهمان پر از رازی / امشب شده مهمانت**

**در ادامه این شعر نیز یک بار فعل «بیوسد»**

برای مفهوم انتزاعی خواب به کار برده شده؛ به این صورت:

**بگذار بیوسد خواب / پلک و مژه‌هایت را**

در شعری به نام «خوش به حال ماهی‌ها»، شاعر تصویری از یک صبحگاه آرام بهاری ساخته است. عناصری که در این تصویر شخصیت انسانی پذیرفته‌اند، عبارتند از، گل، گریه و ماهی‌ها:

**دست و صورتش را گل / شسته بود و خوش**

**بو بود**

**چون که قطره شبنم / روی صورت او بود**

در ادامه این شعر، گریه‌ای سر دیوار شاد است و می‌خندد و دست و صورت خود را خوب خوب می‌لیسد. توی آب، ماهی‌ها گرم گفت و گو هستند و خود را در آب شست و شو می‌دهند. کودک با دیدن ماهی‌ها، زیر لب با خود می‌گوید: خوش به حال ماهی‌ها که همیشه در آب، خود را می‌شویند.

از کتاب بابا آمد، نان آورد:

در آغاز این کتاب، شعر «تصویر پیروزی» آمده است. موضوع این شعر، پیروزی انقلاب اسلامی است. شاعر در این شعر، چند تصویر زنده از شادی حاصل از پیروزی انقلاب ساخته است:

**حتی گل یا گرمی / در سرما می‌خندید**

**نه نه نه! سرما هم / چون گرما می‌خندید**

در بیت اول، گرمی به معنای قیدی آمده است و منظور از با گرمی خندیدن، خنده از ته دل و خنده خوش است. در بیت دوم نیز شاعر، امر محسوسی چون سرما را شخصیت داده و فعل «می‌خندید» را برایش آورده است. منظور از بیت دوم، محسوس نبودن سرمای زمستان در روزهای پیروزی انقلاب است.

از کتاب پشت این پنجره‌ها:

در آغاز این کتاب، شعری آمده با عنوان «رنگین کمان». این شعر در برگرفته حکایتی نسبتاً بلند است و از آغاز تا انتها، یعنی سراسر محور عمودی شعر، در برگرفته تصاویر تشخیصی است که همه از نسبت دادن اعمال انسانی به غیر جانداران حکایت دارند. حکایت این شعر از این قرار است که یک روز ابر تیره برقی می‌زند و خروشان با اسب باد می‌آید و روی خورشید را می‌پوشاند، بر طبل آسمان می‌کوبد و مانند رعد و برق می‌غرد و فریاد می‌زند: من همان فرمانده بهاران هستم. خورشید که مهربان است، بر ابر تیره می‌خندد و بر او نور می‌پاشد و آرام و بی‌هیاهو گل‌های ابر را می‌چیند. این گونه، ابر سیاه می‌رود و خورشید ظاهر می‌شود. ابر سیاه دوباره به خویش می‌چندد و ابرهای سیاه از دیدن آن همه مهربانی و محبت به گریه می‌افتد و اشک او همان قطره‌های باران است. ابر از مقابل دیدگان خورشید پنهان می‌شود و خورشید لبخند می‌زند و بر اشک ابر می‌تابد و در آسمان، رنگین کمان زیبا را برپا می‌کند.

در شعری که حکایت آن نقل شده و به عنوان

گونه‌های شعر حماسی نوجوانانه به حساب می‌آید، به تناسب موضوع، از افعال و واژه‌های سنگین و حماسی استفاده شده است. برخی از افعالی که برای شخصیت بخشی به کار گرفته شده، عبارتند از خروشیدن، برق زدن، پوشیدن، کوفتن، غریدن، فریاد زدن، چیدن، جنبیدن و چیره گردیدن که این افعال سهم فراوانی در جریان دادن و جنبش دادن به عناصر بی‌جان شعر دارند.

از کتاب بهار این جاست:

این کتاب، دربرگیرنده یک شعر آموزشی نسبتاً طولانی است. شاعر در این کتاب، سعی کرده به گروه سنی مخاطب خود، تغییرات و دگرگونی‌های طبیعت، در فصل‌های مختلف سال را نشان دهد. بنابراین، از عناصر مختلف طبیعت، به عنوان دست‌مایه‌ای برای کارش بهره جسته و به آن‌ها به گونه‌ای کودکانه شخصیت بخشیده است. به عنوان مثال، تصویر از یک رود کوچک که در آغاز فروردین، برف‌های آب شده در آن روان می‌شوند، این گونه است:

برف‌های دیروز / می‌شود کم کم آب  
رود بر می‌خیزد / نرم نرمک از خواب

و پس از آن، تصویری از خاکی که سبزه از آن می‌روید، به این صورت ارائه می‌شود:

خاک خشک و تشنه / آب را می‌نوشد  
بعد از آن با شادی / رخت نو می‌پوشد

برخی عناصری که شاعر در ساختن تصاویر تشخیصی خود، در این کتاب از آن‌ها بهره برده، این‌هاست: سبزه، شکوفه، باغ، دشت، صحراء، باد، روستا، برف، گوساله و گاو. همان گونه که می‌بینیم، این عناصر همه از محسوسات طبیعی به شمار می‌آیند.

ب- گاهی شاعر عناصری غیر جاندار یا جاندار غیر انسان را در شعرش مورد خطاب قرار می‌دهد و به این صورت به این عناصر شخصیت می‌بخشد. به مواردی از این دست، در شعر رحماندوست اشاره می‌کنیم.

از کتاب پشت این پنجره‌ها:

«دعای باران» نیایشی پاک و کودکانه است که خطاب به آسمان و ابر و سروده شده:  
آسمان، آبی مهربانم / پر شکوه و بلند، آسمانم  
مادر خوب رنگین کمانم / گوسفندان ما تشنه هستند

به نظر می‌رسد که کودکان، به ظاهر قضایا و سطح آن‌ها توجه بیش‌تر دارند تا به درون و متن آنها. به این معنی که آنان معمولاً خلق پدیده‌ها را به فاعل ظاهری نسبت می‌دهند ناپدید آورنده تأییداً که ما او را علت العلل می‌دانیم. به یاد دارم که خود ما در کودکی، فراوان از ابرها می‌خواستیم که ببارند یا به کناری بروند تا آفتاب بیاید. بنابراین در این شعر، شاعر در گفت و گو با آسمان، تصویر کودکانه و زیبایی ساخته است. در آخر این شعر خطابی کودکانه نیز با خداوند دارد و از خدا می‌خواهد که به ابرها بگوید تا ببارند.

ای خدا، ای خدای توانا ابرها را بگو، آسمان را  
تا که باران ببارند بر ما چشمه‌ها هم خدا تشنه هستند

خطاب به خاک:

لب‌های خسته‌ات را / ای خاک خسته واکن  
راز درون خود را یکباره برملا کن

ما را به قصه‌هایت / یک چند آشنا کن  
در این شعر، اعضا و صفاتی از انسان به خاک نسبت داده شده است: قلب، سینه، پیکر، لب، صورت، ساکت و خسته.

از کتاب فصل بهار بنویس:

خطاب به غنچه:

غنچه خوب و نازنین / چرا چنین نشست‌ای  
بسته شده لبان تو / ساکت و دل شکسته‌ای  
(زود بزرگ می‌شوی)

در ادامه از او می‌پرسد که غنچه جان، چرا شبنم

## فصل بهار بنویس



اشک روی گونه تو نشسته و قد قشنگ ساقه تو خم شده. شاید از تنهایی اندوهگینی یا به خاطر غنچه بودن تنه ساکتی. غم نخور که آندوه برای هیچ دردی دوا نمی‌شود. دو - سه روز بعد از این شکوفا و به یک گل ناز تبدیل می‌شوی و بلبل، سار و شاپرک سوی تو پر می‌کشند و قاصدک برای تو نامه می‌آورد.

از کتاب زیباتر از بهار:

در این کتاب نیز مواردی از تشخیص، به صورت مخاطب قرار دادن آمده است که یکی از این موارد، در خطاب به موجود محسوس غیر طبیعی، یعنی «عروسک» است. عروسک در شعر شاعران کودک، عنصری قابل توجه است و پیش از رحماندوست نیز پروین دولت آبادی، به این عنصر توجه نشان داده است. شعر رحماندوست در خطاب به عروسک، این گونه آغاز می‌شود:

وقت خواب آمده است / عروسک جان، کوچولو

زود برخیز و بخواب / ناز نازم توپولو  
در ادامه این شعر، کودک به عروسکش می‌گوید که گریه کردن بس است. ببین از بس گریه کرده‌ای، چشم‌هایت سرخ و خسته شده. شیر که به تو دادم خوردی، پس چرا نمی‌خوابی؟ و در پایان، کودک به عروسک قول خریدن قاقالی می‌دهد و برای او لالایی می‌خواند.

از کتاب بابا آمد، نان آورد:

در این کتاب، یک نمونه تصویر تشخیصی از نوع مخاطب قرار دادن آمده است. این نمونه خطاب به پاییز است. شاعر پاییز را از زاویه دید سوم شخص مفرد، مورد خطاب قرار می‌دهد:

سلام به فصل پاییز / به فصل باغ عریان

به فصل زردی برگ / به فصل باد و توفان

پاییز که در این شعر مورد خطاب قرار گرفته، در اصل یک مفهوم انتزاعی زمانی است. نام پاییز خاطره‌های خوبی برای کودکان دارد که زیباترین این خاطره‌ها، مربوط به گشایش مدارس است. پاییز یک تحول دلپذیر در زندگی غالب کودکان است و این که در این شعر، به این فصل شخصیت داده و از آن به نیکی و احترام یاد شده، می‌تواند تناسب خوبی با ذهنیات کودکان در این مورد داشته باشد.

از کتاب کوچه‌های آبی:

خطاب به آسمان:

آسمان! همت کن / بنشان آتش را

تا بهاران آید / باز هم بر این جا (شعله‌ها

می‌رقصند)

و در این خطاب که نمونه دیگری از آن نیز در شعر «دعای باران»، از مجموعه «پشت این پنجره‌ها» آمده است و در صفحات گذشته آن را نقل کردیم، شاعر از زبان یک کودک، از آسمان درخواست می‌کند که بر زمین خشک و سوزان بیارد.

خطاب به برگ:

در شعر «سبز در بهار»، شاعر برگ خسته و زردی را تصور می‌کند که بر اسب باد سوار است و تند و تیز، پرواز می‌کند. در خطاب به این برگ، برای تسلائی خاطر اندوهگین او می‌گوید:

مثل باد شاد / شاد باش برگ

این که می‌روی / نیست راه مرگ

در کتاب شعر «بهار این جاست»، تصویر



### تشخیص فشرده

تمام مواردی که به عنوان نمونه‌هایی از تشخیص در شعر رحماندوست ذکر شد، از تصاویر تشخیصی گسترده و باز به حساب می‌آیند. در شعر این شاعر، نمونه‌های معدودی از تشخیص به صورت فشرده نیز یافت می‌شود که حاصل نسبت دادن یکی از اعضا یا صفات ویژه انسان به عناصر دیگر، اعم از جاندار و غیر جاندار و مفاهیم انتزاعی، به صورت ترکیب اضافی است. از کتاب کوچه‌های آبی:

دل فانوس (مهربانی زیباست)، دامن ماه، دامن چشمه (قدرت خدا)، کف باد (فصل باد و برگ)، پای یخ (خورشید و برف).

در این کتاب، چند ترکیب اضافه وصفی نیز آمده که در آنها صفات‌های ویژه انسان، به موجوداتی دیگر از جاندار و غیر جاندار، اضافه شده است. مواردی از این دست، عبارتند از: گربه بی خیال (کوچه‌های آبی)، باد شاد، برگ خسته (سبز در بهار)، باد حسود (حسادت).

در کتاب «زیباتر از بهار» نیز نمونه‌ای از تشخیص فشرده آمده است که شاعر در این نمونه، صفت ترسو را به شیر نسبت داده است (در شعر نه غلط گفتی). از کتاب بابا آمد، نان آورد:

تشخیص‌های فشرده‌ای که در این کتاب آمده، عبارتند از: دوستی دانه (نوبت غنچه)، خنده‌های خورشید (هوای بهاری) و یک نمونه نیز از نوع موصوف و صفت به صورت ماهی‌های شاد (ماهی گیر).

کتاب پشت این پنجره‌ها:

بیش‌ترین نمونه‌های تشخیص فشرده شعر رحماندوست، در این کتاب دیده می‌شود. در تشخیص‌های فشرده شعر رحماندوست، مهم توجه او به عناصر و امور محسوس و طبیعی است. شاعر تا جایی که توانسته، اعضا و صفات و عواطف و اعراض انسانی را به جلوه‌هایی از طبیعت بخشیده است. موارد

تشخیصی از این دست پیدا نشد.

ج - گاهی نیز شاعر از زبان اشیا یا جانداران غیر از انسان سخن می‌گوید و به معرفی آن‌ها می‌پردازد. از کتاب پشت این پنجره‌ها:

در شعر «همبازی باد»، شاعر به صورتی چستان مانند، از زبان موجودی سخنانی می‌گوید. قسمتی از این سخنان را به نثر می‌آوریم: من از آب می‌رویم، ولی مثل آب در جو نیستم؛ هر چند عمری در جوی و دریا زندگی کرده‌ام. گاهی مثل جو درازم و گاهی مثل دریا بی کران. در آسمان، گاهی هزاران تکه‌ام و گاهی یک تکه هستم. شاعر پس از آوردن ویژگی‌های دیگری از این قبیل، به معرفی این موجود از زبان خودش می‌پردازد:

من ابرم، ابر مهربان / فرزند پاک آب‌ها

یک روز باران می‌شوم / می‌بارم آرام از هوا

در کتاب «بابا آمد، نان آورد»، تصویر از نوعی که شاعر، شعر را در زبان غیر انسان سروده باشد، وجود نداشت. در کتاب «کوچه‌های آبی» نیز تصویر تشخیصی از این دست نیامده است. کتاب «بهار این جاست» نیز از این گونه تصویر خالی است.

می‌گذارد. نکته دیگر این که رحماندوست برای مخاطب خردسال‌تر، به صورت تشخیص گرایانه عمل می‌کند و برای مخاطبی که سنش به نوجوانی می‌زند، تشبیه گراست و تصویرهای تشخیصی او در این مورد کم می‌شود. این شاعر بعد از پرداختن به تشخیص، از خیال شعری، بیش‌ترین توجه را به تشبیه نشان داده است.

### تشبیه

کشف شباهت‌های موجود میان اشیا و بیان آن‌ها به شیوه‌ای کودکانه، در شعر کودک بسیار با اهمیت است و باعث می‌شود قوه تمیز کودک پرورش یابد و توانایی درک شباهت‌ها و تفاوت‌ها را پیدا کند و تخیل او بارور می‌شود. رحماندوست در تشبیهات خود، از ملموس‌ترین و محسوس‌ترین راه، یعنی دیدن اشیاء برای ایجاد همانندی میان آن‌ها بهره برده است. بنابراین، غالب تشبیهات او تصویرهایی عینی‌اند و این در شعر کودک و نوجوان، مسئله‌ای است که عموم شاعران به آن توجه دارند.

در شعر کودک، وقتی عناصر سازنده دو طرف تشبیه، محسوس و طبیعی باشد، تشبیه برای کودک جذابیت و زیبایی بیش‌تری پیدا می‌کند؛ چرا که دریافت این گونه تصویر برای کودک آسان‌تر است. حال آن که اگر دو طرف یا یکی از طرفین تشبیه و خصوصاً مشبه به امری انتزاعی یا وهمی باشد، ممکن است ذهن ساده کودک، در کوچه پس‌کوچه‌های ذهن پیچیده شاعر گم شود.

از آن‌جا که کودک برای طبیعت بی‌جان و جاندار، احترام و ارزش بسیاری قائل است و جلوه‌های مختلف آن را ذاتاً صاحب ادراک و شخصیت می‌پندارد و با آن‌ها به سخن می‌نشیند و درد دل می‌کند، برایش بسیار ارزشمند و زیبا خواهد بود که شاعر در شعرش با همانند کردن عناصر با همدیگر، انس و الفتی بین آن‌ها ایجاد کند یا طبیعت را با غیر طبیعت پیوند

معدودی از عناصر غیر طبیعی هم که شاعر به آن‌ها توجه نشان داده، از چیزهایی هستند که بسیار سهل الوصول هستند و دسترسی به آنها آسان است. این عناصر غیر طبیعی ساعت، عینک، موسیقی و تیک تاک هستند. در دو مورد از تشخیص‌های فشرده‌ای که به عنوان شاهد آوردیم، توجه شاعر به جاندار انگاری مفاهیم انتزاعی و ذهنی است که این موارد عبارتند از: «خانه رنج» و «هجوم شب و خواب».

نکته دیگری که در به کارگیری تصویرهای تشخیصی فشرده، مورد توجه شاعر است، سن مخاطب شعر است. در مواقع، در شعر رحماندوست، این مخاطب است که تا حد زیادی تعیین کننده کمیت و کیفیت تصاویر شعری است. با نگاهی گذرا به نمونه‌هایی که ذیل تشخیص فشرده آوردیم، متوجه این موضوع خواهیم شد. بیش‌ترین میزان تصویر تشخیصی فشرده که ۲۰ مورد باشد، در کتاب شعر «پشت این پنجره‌ها» آمده که مخاطب این کتاب، کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله هستند. در کتاب «بهار این جاست» که برای کودکان دوره آمادگی و سال اول دبستان تهیه شده، هیچ نمونه‌ای از تصویر فشرده نیامده است. در کتاب «زیباتر از بهار» که مخاطب آن کودکان ۶ تا ۹ ساله هستند نیز فقط یک نمونه تشخیص فشرده آمده است. کتاب «بابا آمد، نان آورد» ۳ مورد تشخیص فشرده دارد و مخاطب این کتاب، کودکان سال‌های دوم و سوم دبستان هستند. در کتاب «فصل بهار بنویس» که برای کودکان سال‌های چهارم و پنجم دبستان تهیه شده، ۵ مورد تشخیص فشرده آمده است و در کتاب «کوچه‌های آبی» که مخاطب آن دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی هستند ۹ مورد.

در واقع رحماندوست، هر چه با مخاطب کم‌سن‌تر مواجه می‌شود، احتیاط بیش‌تری در به کارگیری خیال‌های شعری می‌کند و در مواجهه با مخاطبی که سنش بیش‌تر است، پرزده خیال خود را رهاتر



محسوسات به حساب آید، به چند عنصر طبیعی تشبیه کرده است؛ به عناصری مطلوب و مورد ستایش، تا بدین گونه مفهوم لبخند را مطلوب و ستایش شده جلوه دهد.

تشبیه مفهوم انتزاعی به محسوسات، یکی از راه‌های مؤثر و مناسب برای ملموس و قابل ادراک کردن آن هاست و در درک تصویر و لذت بردن از آن تأثیر به‌سزایی دارد. تشبیه زیر که مشبهه در آن «عمر شهیدان» است، در شعری آمده با نام «عمر گل کوتاه است». این شعر در شرایط جنگ تحمیلی سروده شده است و شاعر عمر گل را در پرباری و کوتاهی به عمر شهیدان که همواره در ذهن مردم ارزشمند و والا مقامند، تشبیه کرده و این گونه ستایش خود را از گل ابراز داشته است.

عمر تو گل خوشی بو / چون عمر شهیدان است  
صد زندگی تازه / در مرگ تو پنهان است  
آن گونه که می‌بینیم، در اغلب نمونه‌هایی که ذکر شد، شاعر از عناصر محسوس و تا حد امکان طبیعی برای ساختن تصاویر تشبیهی خود بهره برده است. در شعر این شاعر، نمونه‌ای هم آمده که در آن امری محسوس به موجودی وهمی همانند شده و این نمونه از این قرار است:

شاه یارانی داشت همه چون اهریمن  
در این بیت، «اهریمن» به عنوان مشبهه آمده است. این موجود که با حواس دریافت و ادراک نمی‌شود، ولی جاندار پنداشته می‌شود، از موجودات وهمی به حساب می‌آید. برای مخاطب این شعر، شاید به کار بردن این واژه جذباتی نداشته باشد؛ به دو دلیل: یکی ذهن ساده مخاطب و دوم کهنه بودن این واژه که دیگر در زبان فارسی، آن گونه که شایسته استعمال در شعر کودک یا نوجوان باشد، کاربرد ندارد. در شعری به نام «راه قرمز، راه سبز»، شاعر تصویر زیبایی از چراغ قرمز راهنمایی ارائه کرده

و آستی دهد تا این عناصر که به ظاهر از هم دور افتاده‌اند، در شعر و در ذهن او با هم دوست شوند و الفت یابند.

یکی از قابلیت‌های تشبیه، به ویژه تشبیه کودکانه، این است که می‌تواند چیزی را که اکنون در ذهن مخاطب نیست و مخاطب به آن دسترسی ندارد، در ذهن او مجسم و خلق کند. این نکته علاوه بر لذتی که برای مخاطب دارد (این لذت با کشف ارتباطی که شاعر بین امور ایجاد کرده، حاصل می‌شود)، باعث پرورش قدرت خلاقیت و تجسم او نیز می‌شود.

تشبیه در شعر رحماندوست، به هر دو صورت گسترده و فشرده به کار رفته است. میزان تشبیهات گسترده به کار رفته در شعر این شاعر، از فشرده بیش‌تر است. از کتاب‌هایی که صور خیال آن را بررسی کرده‌ایم، بیش‌ترین تعداد تشبیه در مجموعه شعر «پشت این پنجره‌ها» آمده است. نمونه‌هایی از تشبیهات گسترده این کتاب را نقل می‌کنیم.

در شعر «رودم، نه! انسانم» شاعر خود را به رودی تشبیه کرده؛ با وجه شبه پر از غوغا بودن و آرامش و خاموشی گاه گاه:

مانند رودم من / گاهی پر از غوغا

گاهی بسی آرام / خاموش و بی‌اوا

شعر «آغاز پیوند» این گونه آغاز می‌شود:

رودی است آرام / باغی است پر بار

از دوستی پر / از لطف سرشار

دو واژه «رود» و «باغ» در بیت اول، از مشبهه‌هایی است که مشبه آن‌ها در پایان شعر می‌آید. مشبهه‌هایی دیگری نیز در ضمن شعر آمده، از قبیل «دریا»، «آفتاب» و «سایه» و در پایان شعر، این گونه مشبه را می‌آورد:

پایان قهر است / آغاز پیوند

می‌دانی آن چیست / لبخند، لبخند

بنابراین، شاعر واژه «لبخند» را که می‌تواند از

و این وسیله را به یک حکمران تشبیه کرده است.

**یک چراغ قرمز / روبه‌روی آن هاست**

**آن چراغ قرمز / حکمران آن جاست**

حاکم کسی است که در محدوده فرماندهی او، دستی بالای دستش نیست. فرمانش نافذ است و تخلف از او جریمه دارد. چراغ قرمز نیز حکمش ایستادن و توقف است و از حکم او سرپیچی کردن، جرم محسوب می‌شود. این نکته وجه شباهت تصویر مذکور است. در شعری به نام «گام‌های موسیقی»، شاعر برای صدای قطره‌های باران، مشببه‌هایی آورده به قرار زیر:

**آن صدا به گوش من / مثل راه رفتن بود**

**مثل قل قل چشمه / مثل قصه گفتن بود**

این سه تصویر از معدود تشبیهاتی است که بنای آن بر دیدن نیست و شاعر، شنیدنی‌ها را به همدیگر تشبیه کرده است. این تصویرها تازه و ساده هستند و مناسب حال کودکان به نظر می‌رسند.  
از کتاب «بابا آمد و نان آورد»:

اولین شعر کتاب، در توصیف منظره‌ای است که کودک آن را نقاشی کرده. در این نقاشی، رشته کوهی در دور دست به شکل چند هفت و هشت قرار گرفته؛ بالای این رشته کوه یک صفر گنده به شکل خورشید زیبا و زرد و پر نور کشیده شده و بعد:

**گل، پنج تا پنج / خانه دو با یک**

**شکل درخت است / پنج و دو تا یک**

در بیت دوم، مشببه واژه درخت است و مشبه شکل پنج و دو تا یک که اگر دو تا یک به شکل یازده کنار هم قرار بگیرند و یک عدد پنج روی آن‌ها قرار بگیرد، مانند یک درخت در نقاشی کودکان می‌شود. در شعر «تصویر پیروزی» که حکایت شادمانی مردم است، در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، تصویری آمده به این صورت:

**نه نه نه! سرما / هم چون گرما می‌خندید**

در این که کودک از گرما تصور امری خندان داشته باشد، تردید است. در ابیات این شعر هم توجیهی برای این قضیه نیامده است. تنها راه توجیه این امر، تصور سرمای بهمن ماه است که وقایع انقلاب در آن شکل پذیرفته. در آن شرایط است که می‌توان برای گرما، تصویر شخصی خندان ساخت.

اختصار و ایجاز در تصویر تشبیهی کودکانه، اگر به جا باشد، در القای سریع‌تر تصویر و در زیبایی آن تاثیر بسیار دارد. شاعر در تکراری نبودن این گونه تصاویر باید دقت بسیاری به خرج دهد.

رحماندوست، در مجموعه‌های خود، اشعاری با موضوع انقلاب اسلامی و پیروزی آن دارد. به برخی از این اشعار، اشاره‌هایی پیش از این شد. یکی دیگر از اشعاری که با توجه به این موضوع سروده شده، شعر مشهوری است به نام «روز خوب پیروزی»:

**مثل غنچه بود آن روز / غنچه‌ای که رویده**

**در هوای بهمن ماه / بر درخت خشکیده**

**مثل آب بود آن روز / آب چشمه‌ای شیرین**

**چشمه‌ای که می‌بند / مرد تشنه‌ای غمگین**

**گرچه در زمستان بود / چون بهار بود آن روز**

**سرزمین ما «ایران» / لاله زار بود آن روز**

در این ابیات، چهار تشبیه آمده است. در سه تشبیه اول، روز، مشبه واقع شده و مشببه‌های آن، غنچه و آب و بهار است و این هر سه واژه، امیدبخش و نشاط آور هستند و با مشبه که پر از شادی و امید است، یعنی روز بیست و دوم بهمن، تناسب خوبی دارند. تشبیه چهارم، از همانندی سرزمین «ایران» به لاله‌زار حکایت می‌کند و وجه شبه آن در شعر نیامده است. ذکر نکردن این گونه وجه شبه که قرینه‌ای نیز از آن برای درک تصویر نیامده است، می‌تواند به دریافت این تصویر خلل وارد کند.

در دو تشبیه زیر، واژه باد که از مشببه‌های مورد استفاده در زبان محاوره است، مورد استفاده شاعر

قرار گرفته است:

می‌رفتم / هم چون باد

می‌آمد / تند و شاد

(این و آن)

شیر ترسو هم می‌پرد! آری؟

نه، غلط گفتمی شیر با فرهاد

توی جنگل‌ها می‌دود چون باد

سه بیت اخیر، مربوط به شعری است با نام «نه»، غلط گفتمی». این شعر، از یک بازی کودکانه حکایت می‌کند که از این بازی با نام «کلاغ پر، گنجشک پر» هم یاد می‌شود. شاعر حکایتی منظوم، با توجه به این بازی ساخته است. بنابراین، استفاده از عناصر کلیشه‌ای مثل باد و عناصر دیگری در این اشعار می‌تواند توجیه‌پذیر باشد و توجیه آن نیز استفاده از گفتارهای خاص بازی کودکانه در شعر است. در تشبیه زیر، پره‌های پروانه در رنگارنگی و زیبایی، به رنگین کمان تشبیه شده است:

رنگین کمان زیباست پره‌های خال خالت (زیباتر

از بهار)

در کتاب «بهار این جاست»، هیچ نمونه‌ای از

تشبیه گسترده و فشرده مشاهده نشد.

### تشبیه فشرده

تشبیهات فشرده، آن گونه که قبلاً گفتیم، حاصل اضافه شدن مشبه به، به مشبه هستند. در حقیقت، این نوع تشبیه یک ترکیب اضافی است که به آن اضافه تشبیهی نیز می‌گویند. در ارتباط با محسوس بودن یا معقول بودن طرفین تشبیه در تشبیهات فشرده رحماندوست، دو حالت کلی می‌توان یافت: گاهی دو طرف تشبیه هر دو از امور محسوس است و مشبه از امور معقول و غیر محسوس به حساب می‌آید.

الف - از تشبیهات فشرده نوع اول، یعنی آن‌هایی که طرفین آن هر دو محسوسند، این نمونه‌ها

را می‌توان مثال زد.

از کتاب کوچه‌های آبی:

لحاف ابر (شعله‌ها می‌رقصند)، باغ چهره، گل  
لیخند و پرده آب (کوچه‌های آبی) و خانه آغوش  
(هدیه خوب خدا).

از کتاب فصل بهار بنویس:

لحاف پلک (فرشته شب‌ها)، شبنم اشک (زود  
بزرگ می‌شوی)، خانه چشمان (لالایی) و قصه روز،  
قصه تازه شب (قصه تازه‌ی شب).

از کتاب پشت این پنجره‌ها:

گل‌های ابر، اسب باد و طیل آسمان (رنگین  
کمان).

از کتاب «بابا آمد، نان آورد»:

گل خورشید (نوبت غنچه) و سفره گل (قصه  
دست و دانه).

از کتاب «زیباتر از بهار»:

در این کتاب، تنها یک نمونه تشبیه فشرده آمده  
است. این نمونه، ترکیب «باغ مدرسه» و در شعر  
«ماه مهر» آمده است.

در اغلب ترکیب‌هایی که به عنوان تشبیه فشرده  
آوردیم، وجه شبه برگرفته از محسوسات حس بینایی  
است و از خصوصیات و شباهت‌های ظاهری بین  
مشبه و مشبه‌به حکایت می‌کند.

هم چنین، وجه شباهت بیش‌تر این تشبیهات  
تا حدی مشخص است. دو ترکیب «قصه روز»  
و «قصه تازه شب» از مواردی است که بر اساس  
شباهت ظاهری و امور دیدنی شکل نگرفته. در این  
دو تصویر، یکی از طرفین یعنی مشبه‌به، بیش‌تر  
جنبه شنیدنی دارد. ترکیب اضافی «باغ مدرسه»، از  
ترکیب‌هایی است که تشبیه بودن آن، تنها با خواندن  
شعر معلوم می‌شود. این ترکیب در قسمت پایانی شعر  
«ماه مهر»، از کتاب «زیباتر از بهار» آمده است. این  
قسمت را می‌خوانیم:

## زیباتر از بهار شعر، بهار است



این پنجره‌ها) و گل‌های عمر (قصه تصویرها)  
از کتاب «بابا آمد، نان آورد»:  
گل راز (نوبت غنچه)

در این چند نمونه، مشبه به‌ها یا از امور کاملاً محسوس هستند یا به گونه‌ای می‌توان آن‌ها را محسوس جلوه داد. مثلاً واژه‌های «درد» و «دنیا» مستقیماً با حسی دریافت نمی‌شوند، ولیکن کاملاً هم از حواس پنج گانه جدا نیستند. بعد از پرداختن به تشبیهات شعر رحماندوست، آن چه از صور خیال مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد، استعاره است.

### استعاره

استعاره با تشبیه و خصوصاً تشبیه فشرده، فاصله چندانی ندارد و می‌توان آن‌ها را از یک خانواده دانست. در تشبیه فشرده، شاعر ادات تشبیه و وجه شبه را در صورت تشبیه نمی‌آورد و در استعاره، یکی از دو واژه تشبیه فشرده را که غالباً مشبه است. در تشبیه فشرده، اختلاف و جدایی بین مشبه و مشبه‌به از میان بر می‌خیزد و آن دو بسیار همانند و گاه یکی دانسته می‌شوند. به عنوان مثال، از ترکیباتی که گذشت، شاعر با ذکر ترکیب «درد تنهایی» تنهایی را عین درد دانسته یا در ترکیب «باغ دنیا» دنیا عین یک باغ فرض شده است و در بسیاری از ترکیبات تصویری فشرده، اوضاع بر همین منوال است. در تصاویر استعاری، این رابطه یعنی مستعار منه (مشبه به) و مستعار له (مشبه) بسیار نزدیک‌تر می‌شود؛ به صورتی که این دو، اصولاً یک چیز دانسته می‌شوند و همان یک چیز ذکر می‌شود. در حقیقت، دوگانگی و دویی از میان آنها بر می‌خیزد. در استعاره ادبی نیز آن چه اهمیت دارد، این است که شاعر چقدر در تشبیه اولیه خود ابتکار به خرج داده و چقدر رابطه‌ای که ایجاد کرده، ظرافت و تازگی داشته باشد.

رحماندوست بعد از تشخیص و تشبیه، از تصاویر استعاری، برای هنری کردن اشعارش استفاده کرده.

گرچه از چمن / گل گریخته  
برگ‌های سبز / گرچه ریخته  
فصل، فصل ماست فصل بچه هاست  
باغ مدرسه سبز و باصفاست

دو بیت اول می‌گویند که گل‌ها ریخته و برگ‌های سبز از درختان افتاده‌اند. بنابراین، تمام طبیعت گرفتار خزان شده و باغچه مدرسه از این قاعده مستثنا نیست. با توجه به این موضوع، می‌توان به تصویر تشبیهی بودن این ترکیب حکم کرد. وجه شبه آن نیز می‌تواند سبز و باصفا بودن باشد که در ایجاد شباهت بین مدرسه و باغ قدرت زیادی ندارد. این تشبیه، تشبیهی قوی به نظر نمی‌رسد.

ب - دسته دوم از تشبیهات فشرده، ترکیب‌هایی هستند که مشبه در آن‌ها از امور معقول و غیر محسوس است و مشبه به، از امور محسوس به حساب می‌آید:  
از کتاب «کوچه‌های ابی»:

باغ دنیا (پایان راه) و درد تنهایی (تنها تا دریا).

از کتاب «فصل بهار بنویس»:

نغمه بهاران (گام‌های موسیقی).

از کتاب «پشت این پنجره‌ها»:

گل بوته امید (گل بوته امید)، دنیای خیال (پشت

نمونه‌هایی از استعاره‌های این شاعر را نگاه می‌کنیم:  
از کتاب پشت این پنجره‌ها:  
این کتاب بیش از نیمی از استعاره‌های مصرحه  
کتاب‌های بررسی شده رحماندوست را دربردارد.  
نمونه‌هایی از واژه‌های استعاری در این کتاب:

شهد: سخنان خوب و ارزشمند

بر من می‌افزاید / حرف و کلام تو

من نیز می‌ریزم / شهدی به کام تو

دو بیت مذکور، از شعری به نام «رودم؟ نه! انسانم»  
نقل شده است. این شعر حکایت کسی است که خود  
را به رودی تشبیه می‌کند که گاهی آرام است و گاهی  
پر از غوغا. باران به او جان می‌دهد و بخار آب او باران  
و از پیکرش جوی‌های فراوانی می‌زاید. حکایت انسان  
نیز این گونه است. سخنان دیگران جان انسان را لبریز  
می‌کند. او نیز سخن را چون شهدی به کام دیگران  
می‌ریزد. این گونه انسان‌ها با هم تعامل دارند. قرینه  
شهد به معنای کلام ارزشمند، همان حرف و کلام  
است که در بیت قبل از آن آمده.

پنجره: چشم

خواب می‌بینیم و نیست / هیچ در خواب محال

پشت این پنجره‌ها / هست دنیای خیال

(پشت این پنجره‌ها)

در آغاز این شعر، شاعر چشم را به پنجره‌ای  
تشبیه کرده است؛ پنجره‌ای رو به دنیای زیبا و رو به  
خانه و جنگل و دشت. با توجه به قرینه‌های مناسبی  
که آمده و واژه کودکانه‌ای که به عنوان مستعار منه  
به کار گرفته شده، می‌توان گفت این واژه یکی از  
زیباترین تصویرهای استعاری کتاب را ساخته است.

بیر: ابر آسمان

آسمانم ببار ابر خود را / بشکن آن کاسه صبر

خود را

باز غرنده کن ببر خود را / گاو و گوساله‌ها تشنه

هستند (دعای باران)

برای واژه «بیر» به معنای ابر آسمان، تنها  
قرینه‌ای که می‌توان یافت «غردیدن» است و واژه ابر  
در مصراع اول نیز می‌تواند اشاره‌ای به این موضوع  
داشته باشد.

اشک آسمان، همنشین خاک، گنج تشنگان: آب

«آب» باش، آب / پاک پاک پاک

اشک آسمان / همنشین خاک

آب باش و باش / گنج تشنگان

هر چه زنده است گیرد از تو جان (آب باش)

قبله جماران: امام خمینی «ره»

پدرم دوستدار قرآن بود پیرو قبله جماران بود

در این بیت، ترکیب «قبله جماران» با قرینه  
جماران، تصویری استعاری است از پایه گذار انقلاب  
ایران، امام «ره». در کتاب‌های شعر «زیباتر از بهار»،  
«بابا آمد، نان آورد» و «بهار این جاست»، هیچ  
نمونه‌ای از استعاره مصرحه مشاهده نشد.

در اشعار رحماندوست، موارد معدودی تصویر  
استعاری از نوع مکنیه نیز آمده است که بیش‌ترین  
تعداد از این موارد، در کتاب شعر «کوچه‌های آبی»  
به چشم می‌خورد:

دست و پایم نداشت دیگر جان / خنده روی

لبان من خشکید

روی دیوار رو به رو انگار / گربه بی خیال،

می‌خندید

ناتوان ایستاده بودم من / در گلویم شکسته

شد فریاد

این سه بیت، از شعر «کوچه‌های آبی» نقل  
شده. در ابیات اول و سوم، دو تصویر استعاری از نوع  
مکنیه آمده است. در بیت اول، خنده را به جسم تشبیه  
کرده؛ جسمی که قابلیت خشک شدن داشته باشد و  
برای آن فعل «خشکید» را به کار برده است. در بیت  
سوم، فریاد به جسمی شکسته همانند شده و فعل  
«شکسته شد» برایش به کار رفته است. شاعر در این

سه بیت، با این دو استعاره مکنیه، تصویری از حیرت و بهت و استیصال کودک را نشان داده است. در کتاب شعر «بابا آمد، نان آورد» نیز دو نمونه از استعاره مکنیه گسترده آمده است:

رفتم در را وا کردم / شادی را پیدا کردم (به، به، به)

تق تق بر در می زند. باباست که از بیرون آمده. کودک می دود در را باز می کند و از دیدن بابا شادمان می شود. این تصویر، در بیت بالا با عبارت «شادی را پیدا کردم»، بیان شده و شادی در این عبارت، به جسمی تشبیه شده و فعل «پیدا کردم» برای آن به کار رفته است.

### حس آمیزی

در شعر رحماندوست، تصاویری نیز یافت می شود که اگر چه طرفین در آن ها محسوس است، به دو حوزه حسی متفاوت تعلق دارد. تعداد این تصاویر، در مجموعه های بررسی شده این شاعر، اندک است:

از کتاب «کوچه های آبی»:

گاه بیرون از آب می آمد / با نگاهی مرا صدا می کرد.

(کوچه های آبی)

«گاه» از اعمالی است که از چشم سر می زند و با فعل دیدن ارتباط دارد. دریافت فعل صدا کردن نیز به حس شنوایی ربط دارد. در این بیت، در حقیقت شاعر نگاه را با گوش خود می شنود و این نمونه ای خوب و در عین حال معمولی از حس آمیزی است.

خندید و گفت: «این فصل / با خنده کار دارد  
لبخنده های من هم / بوی بهار دارد»  
(خنده و بوی بهار)

«لبخند»، اگر از امور محسوس به حساب بیاید، با حس بینایی دریافت می شود و «بو» از محسوسات حس بویایی است. در این بیت، شاعر، دریافت امری

دیدنی را به حوزه حس بویایی ربط داده است.

یک کوچه که دارد / ده ها در چوبین  
چون قصه دراز است / چون خاطره شیرین  
(کوچه ی خاطره ها)

شعر، در بردارنده تصویری از شعر کودکی شاعر است؛ شهری که مورد علاقه اوست؛ یا نه، بیانگر شهر آرمانی اوست. کوچه ای از این شهر، به خاطره ای شیرین تشبیه شده است. قسمت اول ترکیب «خاطره شیرین» به حس شنوایی ربط دارد و قسمت دوم آن، با حس چشایی مرتبط است.

غالب حس آمیزی های به کار رفته در شعر رحماندوست، از آن هایی هستند که در زبان محاوره با آن ها سر و کار داریم. در واقع، تلاشی از سوی شاعر برای ساختن این گونه تصاویر صورت نگرفته است. نکته ای که از این حس آمیزی ها بر می آید، این است که چون شاعر می گوشت تصویری زیبا و دوست داشتنی از دنیا و زندگی به مخاطبان شعرش نشان دهد، از حس آمیزی هایی که طرف اصلی آن ها واژه «شیرین» است، بهره فراوان تری نسبت به موارد دیگر برده است. نمونه های این گونه حس آمیزی، ترکیبات خواب شیرین، خاطره شیرین، شیرین زبان، نور شیرین، روزها و زندگی شیرین است.

### کنایه

در شعر رحماندوست، تصاویر کنایی اندک است و مواردی هم که از کنایه در شعر این شاعر آمده، از کنایات رایج در زبان مردم کوچه و بازار است. بیشترین نمونه های کنایه در شعر رحماندوست، از کتاب های بررسی شده، در کتاب «پشت این پنجره ها» است:

باز شدن مشت: رسوا شدن

کاهش از هم پاشید / مشت او هم وا شد

شاه و شاهنشاهی / در جهان رسوا شد (پس از

آن پیروزی)

گل کردن: آغاز شدن و اوج گرفتن

مرد، در سینه‌ام، کینه سرد / حرف‌مان مثل دیروز

گل کرد (قهر و آستی)

چشم دوختن به حلقه در: انتظار

شب که می‌شد در انتظار پدر / چشم می‌دوختم

به حلقه در (دو تابلو)

### مجاز

در مواردی معدود (۶ مورد)، رحماندوست در شعرش واژه‌ها را در غیر معنای حقیقی و اصلی خودشان به کار برده است.

در دل فانوسم شعله‌ای خواهم ریخت

با طنابی از سقف نور خواهم آویخت

این دو بیت از شعر «مهربانی زیباست» که در کتاب «کوچه‌های آبی» آمده، نقل شده است. آن گونه که در بیت اول می‌بینیم، واژه فانوس صراحتاً ذکر شده است. بنابراین، در بیت دوم «نور» مجازاً به معنای «فانوس» و دارای علاقه ذکر حال و اراده محل است. در این کتاب، نمونه زیر نیز آمده است:

گفتم که «خنده خوب است / اما جواب من نیست

حرف من از بهار است / خندیدن تو از چیست؟»

(خنده و بوی بهار)

در این دو بیت، واژه «حرف» در معنای مجازی خود و به معنای سخن آمده است. بنابراین با علاقه ذکر جزء و اراده کل، به کار رفته است. این واژه در شعرهای دیگری از این شاعر نیز به این معنا به کار رفته است و در زبان محاوره نیز کاربرد فراوان دارد. در بیت زیر، از کتاب «فصل بهار بنویس»، واژه «چشم» در غیر معنای حقیقی خود به کار رفته است:

در پی هر برگی / چشم او جاری بود

-آه، این پاییز است / پاسخش آری بود

(باز هم پاییز است؟)

بیت اول، از نگاه کردن گریه‌ای به برگ‌های زرد درختان که روی زمین می‌افتند، حکایت می‌کند. معلوم است که واژه «چشم»، به معنای مجازی به کار رفته و منظور شاعر از این واژه «نگاه» بنابراین، دارای علاقه ذکر محل و اراده حال است. در کتاب «بابا آمد، نان آورد»، واژه «دنیا»، به معنای مجازی آمده است:

جشنی بود / در آن جشن / یک دنیا می‌خندید

(تصویر پیروزی)

در این بیت، منظور از دنیا، آن هم مردم گوشه‌ای از دنیاست. بنابراین، واژه به صورت مجازی و با علاقه ذکر محل و اراده حال به کار رفته است. در شعر زیر از کتاب «زیباتر از بهار» نیز واژه دنیا با نگاهی کودکانه به کار رفته و می‌تواند از مجاز حکایت کند. کودکان به دلیل تصور کودکانه و محدودی که از دنیا دارند، ممکن است از واژه‌هایی از این دست که معنای بسیار گسترده‌ای دارد، به عنوان مکانی کوچک یاد کنند.

رحماندوست از شاعرانی است که قسمتی از عمر شاعری خود را در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی سپری کرده و پس از انقلاب نیز سال‌ها برای کودک و نوجوان ایران شعر سروده و تحقیق ادبی انجام داده است. این شاعر در سرودن شعر کودک، به فضایی کودکانه، صمیمی و ساده دست یافته است؛ فضایی که دست یافتن به آن، حاصل زندگی با کودکان و تلاش برای پی بردن به خواسته‌ها و قابلیت‌های آنان است. این شاعر با توجه به اندوخته‌های خود، سعی کرده است در شعرش به نیازهای کودکان پاسخ گوید.

رحماندوست در سرودن شعر کودک و نوجوان، ادامه دهنده راه محمود کیانوش است؛ هر چند اشعار این شاعر ویژگی‌هایی هم دارد که از جمله آن زبان ساده و منحصر به فرد بسیاری از آن‌هاست. در شعر این شاعر، غالباً عناصر محسوس طبیعی، سازنده خیال‌های شاعرانه هستند و مفاهیم انتزاعی به ندرت مورد توجه قرار گرفته‌اند.

موجودات وهمی نیز که در دوره قبل، اندک توجهی از سوی شاعران به آن‌ها می‌شد، در شعر رحماندوست وجود دارند و تفاوتی که این شاعر با شاعران دیگر در استفاده از این موجودات دارد، این است که رحماندوست گاهی از این عناصر به عنوان صفت بهره برده و گاهی نیز از آن‌ها در غیر معنای حقیقی و برای ساختن صور خیال استفاده کرده است. مواردی که صفت موجودات وهمی در نظر شاعر بود، از این قرارند:

شیطان و شاد است خیلی ز رنگ است

رنگ تن او خیلی قشنگ است

(چشم قشنگ گریه، از زیباتر از بهار)

واژه «شیطان» به عنوان صفتی برای گریه آمده است.

سیرین زبانی‌های او دل می‌برد، دل / ریز است

اما تیز و شیطان، مثل فلفل

(هدیه خواب خدا، کوچه‌های آبی)

در این بیت نیز «شیطان» وصفی است برای دخترکی کوچک که شعر درباره او سروده شده. مواردی که موجودات وهمی در غیر معنای اصلی به کار رفته‌اند، این‌ها هستند:

هر چه شیطان می‌گفت / شاه اجرا می‌کرد

(پس از آن پیروزی، از: پشت این پنجره‌ها)

در این بیت، واژه «شیطان»، معنای استعاری دارد و به معنای دولت‌های استعمارگر به کار رفته است.

گفتم کدام دیو / دست تو را شکست

(گل بوته امید، از: پشت این پنجره‌ها)

«دیو» نیز از موجودات وهمی به حساب می‌آید. در این بیت، به معنای اعم دشمن و به عنوان تصویری استعاری به کار رفته است. در ابیات زیر نیز موهومات برای ساختن تصویر به کار رفته‌اند:

شاه یارانی داشت / همه چون اهریمن

مردم اما بودند / سخت با او دشمن

(پس از آن پیروزی، پشت این پنجره‌ها)

شاید فرشته یا پری خواب است او، خواب است او

(فرشته شب‌ها، فصل بهار بنویس)

در ابیات بالا، واژه‌های اهریمن و فرشته و پری، از عناصر وهمی هستند که برای تصویرسازی به کار گرفته شده‌اند.

یکی از موضوعاتی که شاعر در شعرش به آن توجه نشان داده، واقعه انقلاب و پیروزی آن است که به صورت مستقیم در شعرهای پس از آن پیروزی (از کتاب پشت این پنجره‌ها)، تصویر پیروزی (بابا آمده، نان آورد) اشاره شده و اشاراتی در برخی اشعار دیگر نیز به این موضوع شده است. موضوع جنگ و دفاع مقدس، در شعر این شاعر اهمیت زیادی دارد. شعرهای گل بوته امید، دو تابلو، لالایی‌ها، عمر گل کوتاه است، از کتاب «پشت این پنجره‌ها» به این موضوع اختصاص دارند. پرداختن به موضوع مذهب، از نکته‌های مورد توجه شاعر است. شعرهای بهار عبادت (فصل بهار بنویس)، قدرت خدا و نماز صبح (کوچه‌های آبی) از جمله این شعرهاست. گاهی در شعر این شاعر، ترکیب‌ها و گفتارهایی که ریشه در عقاید مذهبی شاعر دارند، آمده است:

تاج به سر خوانده / قوقولی قوقو

بسم‌الله بگو / یا علی بگو

(خوابی یا بیدار، زیباتر از بهار)

پرداختن به بازی‌های خاص کودکان، چون خانه بازی، بنشین و پاشو، نه غلط گفتی، از مسائل مورد توجه شاعر است. شاعر در کتاب شعر «زیباتر از بهار»، به این بازی‌ها پرداخته است. دوست، از مفاهیم مورد علاقه رحماندوست است که گاهی در شعرش از آن یاد کرده. مسائلی چون دیدار با یک دوست تازه، خداحافظی از دوستی مهربان و قهرها و آشتی‌ها، حاصل توجه شاعر به این نکته‌اند. شعرهای قهر و آشتی (از کتاب پشت این پنجره‌ها)، سفر، یک خاطره، یک سلام (از کتاب کوچه‌های آبی) با توجه به این موضوع سروده شده‌اند.



به نام خدا

## فراخوان مطلب

دوستان و همراهان

پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، در نظر دارد موضوع اصلی شماره‌های آتی خود را به این مباحث اختصاص دهد:

مهلت ارسال	موضوع	شماره / فصل انتشار
پایان آذر ۸۵	کودکی مطلوب	۴۸ / بهار ۸۶
پایان اسفند ۸۵	معرفت‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان	۴۹ / تابستان ۸۶
پایان خرداد ۸۶	نوآوری	۵۰ / پاییز ۸۶
پایان شهریور ۸۶	بازآفرینی اقتصادی	۵۱ / زمستان ۸۶

همچنین، این شماره‌ها به ترتیب در بخش نقد ویژه، به نقد و بررسی آثار:

موضوع	شماره / فصل انتشار
م. آزاد	۴۸ / بهار ۸۶
محمدرضا شمس	۴۹ / تابستان ۸۶
احمدرضا احمدی	۵۰ / پاییز ۸۶
حسین فتاحی	۵۰ / زمستان ۸۶

اختصاص می‌یابد، شما منتقدان، پژوهشگران و نویسندگان عرصه ادبیات کودک و نوجوان را به ارائه مقاله، نقد و نظر (تالیف یا ترجمه) در این زمینه‌ها فرا می‌خوانیم تا با همراهِتان بر غنای پژوهشنامه بیفزایید.

منتظریم - با تشکر